**جلسه 53**

**یک‌‌شنبه - 26/10/۹۵**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به جمع بین روایات راجع به آخر وقت نماز مغرب بود.

رسیدیم به این روایت که صحیحه زراره و فضیل هست که فرمود ان لکل صلات وقتین الا المغرب فان وقتها وجوبها و وقت فوتها سقوط الشفق.

مرحوم آقای خوئی فرمودند که اصلا این صحیحه ربطی به این ندارد که استفاده شده که آخر وقت نماز مغرب سقوط شفق است. حالا یا طبق استظهار شیخ طوسی آخر وقت اداء نماز مغرب برای مختار، یا آخر وقت تکلیف به مبادرت به نماز مغرب که نظر صاحب حدائق بود که گفت واجب است مبادرت در حال اختیار به نماز مغرب قبل از سقوط شفق ولی اگر مبادرت نکند تا سقوط شفق بشود قضاء نشده است.

این صحیحه ربطی به این مطالب ندارد. این صحیحه مفادش این است که تمام نمازها قبل از خودشان وقت نافله دارند، حتی قبل از نماز عشاء وقت نافله مغرب هست، اما نماز مغرب است که به مجرد اذان مغرب فعلی است بدون هیچ نافله‌ای قبل از آن.

**مژید دوم برای توجیه صحیحه فضیل، موثقه معاویة بن عمار است**

بعد فرمودند که مؤید این استظهار ما موثقه معاویة بن وهب است: اتی جبرئیل رسول الله صلی الله علیه و آله بمواقیت الصلاة فاتاه حین زالت الشمس فامره فصلی الظهر، ‌روز اول جبرئیل هنگام زوال شمس امر کرد یعنی از پیامبر خواست نماز ظهر بخواند، هنگامی که سایه مساوی شاخص شد، خواست از پیامبر که نماز عصر بخواند، هنگام غروب آفتاب خواست از پیامبر نماز مغرب بخواند، ‌هنگام سقوط شفق از پیامبر خواست نماز عشاء بخواند، هنگام طلوع فجر هم از پیامبر خواست نماز عشاء‌ بخواند، این یک روز، روز دوم، ‌فردای آن روز تغییر کرد این نمازها بجز نماز مغرب، هنگامی که سایه مساوی شاخص شده بود که دیروز به پیامبر گفت نماز عصر بخوان امروز به پیامبر گفت نماز ظهر بخوان، وقتی سایه دوبرابر شاخص شد، ثم اتاه حین زاد من الظل قامتان فامره فصلی العصر، به پیامبر گفت نماز عصر بخوان، هنگام غروب آفتاب به پیامبر عرض کرد نماز مغرب بخوان، بعد از این‌که یک سوم شب گذشت، نه سقوط شفق‌، ‌یک سوم شب گذشت، ‌به پیامبر عرض کرد نماز عشاء بخوان و هنگام صبح هم هنگامی که هوا روشن شد، حین نوّر الصبح، گفت نماز صبح بخوان، ‌ثم قال بینهما وقت، امروز و دیروز که اختلاف پیدا کرد بخاطر توسعه که مشخص بشود که اول و آخر وقت فضیلت مشخص بشود، ‌اما نماز مغرب همان وقت دو روزش یکی بود: حین غربت الشمس.

این ظاهر در این است که پیامبر برای هر نمازی دو وقت آورد غیر از نماز مغرب اما این دو وقت مربوط به وقت فضیلت است. و ظاهر هم از روایات این است که فرق نماز مغرب با بقیه بخاطر مراعات نوافل است که در نماز مغرب نافله‌ای قبل از نماز مغرب نیست.

**اشکال: مراد روایت این است که نماز مغرب وقت فضیلتش همان وقت وقت وجوبش است**

ما عرض‌مان همین است که می‌گوییم انصافا این مطالب خلاف ظاهر است. ان لکل صلات وقتین الا المغرب فان وقتها واحد و وقتها وجوبها و وقت فوتها سقوط الشفق این را ما حمل کنیم بر این‌که نماز مغرب امتیازش این است که قبل از نماز مغرب نافله‌ای نیست که بخاطر نافله مستحب باشد تاخیر نماز مغرب، این عرفی است این جور تفسیر؟‌ روایت می‌گوید و وقتها وجوبها و وقت فوتها سقوط الشفق. همه نمازها دو وقت دارند، وقت فضیلت دارند و وقت وجوب اما نماز مغرب فقط وقت وجوب دارد، وقت فضیلت ندارد، و وقتها وجوبها.

[سؤال: ... جواب:] و وقتها یعنی وقت المغرب. وقتها یعنی وقت المغرب وجوبها و وقت فوتها سقوط الشفق. ... شمس را از کجا در آوردید؟ آخه در روایت که ندارد شمس. وقت فوتها یعنی شمس فوت بکند؟ این‌ها خلاف ظاهر است.

**جواب از مؤید اول: صدر روایت قرینه است که جهت مضیق بودن وقت نماز جمعه بخاطر نافله نداشتن بعد از زوال نیست**

اینی هم که راجع به نماز جمعه ایشان گفتند در صحیحه زراره هست که ان صلاة الجمعة من الامر المضیق انما لها وقت واحد حین تزول، این هم توجیه عجیبی است. خب آقا! روایت را کامل بخوانید! خب این روایت را کامل بخوانید مشخص می‌شود که [مطلب چیست]. روایت این است: عن ابی جعفر علیه السلام ان من الامور امورا مضیقة‌ و امورا موسعة و ان الوقت وقتان و الصلاة ما فیه السعة فربما عجل رسول الله صلی الله علیه و آله و ربما اخر الا صلاة الجمعة فان صلاة الجمعة من الامر المضیق انما لها وقت واحد حین تزول. این چه ربطی دارد به این‌که نماز جمعه وقتش مضیق است از باب این‌که نافله‌ای قبل از نماز جمعه نیست؟ ‌بعد از اذان ظهر و قبل از نماز جمعه نافله‌ای نیست، چه ربطی دارد به این روایت؟ این روایت می‌گوید نمی‌شود نماز جمعه را تاخیر انداخت از اول زوال عرفی. ربما عجل رسول الله صلی الله علیه و آله و ربما اخر الا صلاة الجمعة‌ فان صلاة الجمعة من الامر المضیق انما لها وقت واحد حین تزول. نماز جمعه را به مجرد زوال عرفی باید شروع کرد. البته نماز جمعه خطبتان دارد، دو خطبه دارد که او هم نباید زیاد طول بکشد. ولی ربطی ندارد به این فرمایش ایشان که این‌ها را به عنوان شاهد ایشان ذکر می‌کند برای مدعای خودش.

**جواب از مؤید دوم:‌ وحدت وقت مغرب در این موثقه بخاطر وحدت وقت فضیلت و وجوب نماز مغرب است**

یا موثقه معاویة بن وهب. ما نفهمیدیم اصلا وجه استشهاد ایشان به این موثقه چیه که چه قرینه‌ای در این موثقه است که وحدت وقت مغرب بخاطر این است که نافله‌ای قبل المغرب نیست. نخیر. وحدت وقت مغرب به این خاطر است که وقت فضیلت و وقت وجوبش یکی است بر خلاف سایر نمازها.

و لذا انصاف این است:‌ دلالت این روایت بر این‌که وقت نماز مغرب موسع نیست، تا سقوط شفق هست نه بیشتر، ‌دلالتش فی حد ذاته تام است. وجهی ندارد ما در دلالت این روایت مناقشه کنیم.

بله، اگر قرینه قطعیه داشتیم بر این‌که حمل کنیم صحیحه زاره و فضیل را بر وقت فضیلت، خب ما حمل می‌کنیم وقتها وجوبها و وقت فوتها سقوط الشفق بر شدت فضیلت. آنقدر تاکد استحباب دارد اتیان به نماز مغرب قبل از سقوط شفق که گویا اگر عمدا ترک کنی نماز مغرب را قبل از سقوط شفق که الان ساعت شش و بیست و هفت دقیقه است حدودا، ‌ادعا کردند که نماز مغربت فوت شده. بله، این اشکال ندارد. اگر قرینه قطعیه داشتیم ما این‌جور تصرف می‌کنیم. اما از شدت اهمیت نماز مغرب ناشی می‌شود که اینقدر اهتمام دادند به نماز مغرب که در زمان فضیلتش اداء بشود، قبل از سقوط شفق به بقیه نمازها اینقدر اهتمام ندادند. این‌جور می‌شود توجیه کرد ولی نیاز به قرینه قطعیه دارد نه این‌که ما از ظهورش بخواهیم صرف نظر کنیم و بگوییم این صحیحه زراره و فضیل ظهور ندارد در مدعای شیخ طوسی که می‌گفت وقت نماز مغرب برای مختار تا سقوط شفق است یا از مدعای صاحب حدائق که می‌گفت وقت وجوب مبادرت به نماز مغرب برای مختار تا سقوط شفق هست.

[سؤال: ... جواب:] اشکال ندارد. ... حالا سایر نمازها خب از این روایت استفاده می‌شود که یک وقت فضیلتی دارد و یک وقت وجوبی که موسع هست، اما این روایت راجع به نماز مغرب می‌گوید وقتها واحد و وقتها وجوبها و وقت فوتها سقوط الشفق.

ما قبل از این‌که ببینیم آیا جمع عرفی دارد این صحیحه زراره و فضیل با روایات دیگر که دیروز مطرح شد یا با هم تعارض می‌کنند و جمع عرفی ندارند و بعد از تعارض به چه چیزی باید رجوع کنیم، قبل از این‌که این بحث را دنبال کنیم اجازه بدهید بقیه روایات را که مفادش این است که منتهای وقت نماز مغرب سقوط شفق هست، بررسی کنیم.

**صحیحه بکر بن محمد: آخر وقت غیبوبه شفق است**

صحیحه بکر بن محمد عن ابی عبدالله علیه السلام: سأله سائل عن وقت المغرب فقال ان الله یقول لابراهیم فلما جن علیه اللیل رأی کوکبا قال هذا ربی و هذا اول الوقت و آخر ذلک غیبوبة الشفق، ‌آخر وقت نماز مغرب غیبوبت شفق هست.

[سؤال: ... جواب:] اول الوقت غروب الشمس است، آخر الوقت غیبوبة الشفق.

خب انصاف این است که ظاهرش هم این است که آخر وقت نماز مغرب زمان زوال حمره مغربیه است و ما تا قرینه واضحه‌ای نداشته باشیم رفع ید کنیم از این ظهور و حمل کنیم بر وقت فضیلت؟ خب ما باید به این ظهور عمل کنیم.

**روایت اسماعیل بن مهران: وقت نماز مغرب تا سقوط شفق است**

روایت دیگر، روایت سهل بن زیاد عن اسماعیل بن مهران قال کتبت الی الرضا علیه السلام ذکر اصحابنا انه اذا زالت الشمس فقد دخل وقت الظهر و العصر و اذا غربت دخل وقت المغرب و العشاء الآخرة الا ان هذه قبل هذه و ان وقت المغرب الی ربع اللیل، می‌گوید من به امام رضا علیه السلام نوشتم که اصحاب می‌گویند وقت نماز ظهر و عصر تا غروب آفتاب است، یعنی اذا زالت الشمس فقد دخل وقت الظهر و العصر اذا غربت الشمس دخل وقت المغرب و العشاء و اصحاب می‌گویند وقت مغرب تا یک چهارم شب است، ‌فکتب علیه السلام کذلک الوقت غیر ان وقت المغرب ضیق و آخر وقتها ذهاب الحمرة، اینی که اصحاب گفتند وقت المغرب الی ربع اللیل نخیر، وقت مغرب ضیق است و آخر وقت آن سقوط شفق هست، ذهاب حمره مغربیه، ‌و مصیرها الی البیاض فی افق المغرب.

خب این هم حملش بر این‌که آخر وقتها‌ای آخر وقت فضیلتها؟ خب این خلاف ظاهر است.

**معتبره اسماعیل بن جابر: وقت نماز مغرب تا سقوط شفق است**

و همین‌طور معتبره اسماعیل بن جابر:‌ سألته عن وقت المغرب قال ما بین غروب الشمس الی سقوط الشفق.

**صحیحه جمیل بن دراج: فقط با وجود علت می‌شود نماز را تا سقوط شفق تاخیر انداخت**

و همین‌طور صحیحه جمیل بن دراج: قلت لابی عبدالله علیه السلام ما تقول فی الرجل یصلی المغرب بعد ما یسقط الشفق؟ قال لعلة لابأس، ‌اگر مشکلی داشت، مانعی ندارد.

این کاملا مفهوم دارد که لغیر علة ففیه بأس. ظاهرش این است که حرام است. ظاهرش تحدید است، لعة لابأس‌ أی لغیر علة ففیه بأس.

**صحیحه علی بن یقطین: در حضر باید قبل از غیبوبه شفق نماز را اتیان کرد**

و همین‌طور صحیحه علی بن یقطین: سألته عن الرجل تدرکه صلاة المغرب فی الطریق أیؤخرها الی ان تغیب الشفق؟ قال لابأس بذلک فی السفر و اما فی الحضر فدون ذلک شیئا. فرمود در سفر اشکال ندارد تاخیر نماز مغرب تا سقوط شفق اما در حضر قبل از سقوط شفق نماز مغرب را بخوانید.

فدون ذلک شیئا یعنی قبل از سقوط شفق به مقداری، نماز مغرب را بخوانید.

**جواب از روایات مخالف قول مشهور**

پس ما مواجهیم با سه طائفه از روایات:

یک طائفه این‌ها هستند که می‌گویند آخر وقت نماز مغرب سقوط شفق است.

طائفه دوم آن روایات دیروز مثل صحیحه عمر بن یزید است که ظاهرش این است که برای مختار هم نماز مغرب بعد از سقوط شفق هم وقتش باقی است و جایز است تاخیر آن تا بعد از سقوط شفق.

 و یک طائفه سومی هم هست که می‌گوید تا نیمه شب توسعه دارد وقت نماز مغرب و عشاء. مثل مرسله داوود بن فرقد. می‌گوید که اذا غابت الشمس فقد دخل وقت المغرب حتی یمضی مقدار ما یصلی المصلی ثلاث رکعات فاذا مضی ذلک فقد دخل وقت المغرب و العشاء حتی یبقی من انتصاف اللیل مقدار ما یصلی المصلی اربع رکعات و اذا بقی مقدار ذلک فقد خرج وقت المغرب و بقی وقت العشاء الی انتصاف اللیل. یا روایت قاسم بن عروه. می‌گوید اذا غربت الشمس فقد دخل وقت الصلاةین الی نصف اللیل الا ان هذه قبل هذه.

آقای خوئی به این روایت هم تمسک کرده، صحیحه عبدالله بن سنان: لکل صلات وقتان و اول الوقتین افضلهما. فرمود اول الوقتین افضلهما نه واجبهما.

خب این صحیحه عبدالله بن سنان که تخصیص خورد به صحیحه زراره و فضیل، گفت لکل صلات وقتین الا المغرب. پس این را نمی‌شود مطرح کرد.

**توجیه روایات نیمه شب: قابل حمل بر مضطر یا وقت اجزاء دارد**

روایت قاسم بن عروه و مرسله داوود بن فرقد هم که تنافی ندارد با این‌که شخص مختار و غیر معذور واجب فوری باشد مبادرت کند به نماز مغرب قبل از سقوط شفق. بله، وقت نماز مغرب و عشاء تا نیمه شب هست، افرادی که معذورند که هیچ، ‌آن افرادی هم که مختارند وقت‌شان تا نیمه شب باقی است ولی خلاف شرع است که بخواهند از سقوط شفق نماز مغرب را تاخیر بیندازند. این جمع، عرفی است. جمع به نظر ما غیر عرفی نیست.

**جواب از روایات سقوط شفق**

**جواب اول: حمل بر تاکد استحباب به قرینه صراحت صحیحه عمر بن یزید**

و لکن مهم آن دو تا طائفه اول است. یکی طائفه‌ای که عمده‌اش صحیحه زراره و فضیل است: و وقت فوتها سقوط الشفق. یکی هم آن صحیحه عمر بن یزید است که امام فرمود که انزع ثیابک و ان شئت ان تتوضأ فتوضأ فانک فی وقت الی ربع اللیل.

بعید نیست به نظر ما این جمع عرفی که حمل کنیم صحیحه فضیل و زراره را بر شدت تاکد استحباب. آنقدر استحباب مؤکد دارد مبادرت به نماز مغرب قبل از سقوط شفق که از آن تعبیر کردند به وقت فوتها، ‌وقتها وجوبها. چون صحیحه عمر بن یزید نص در ترخیص در تاخیر نماز مغرب است تا بعد از سقوط شفق. ما این را بعید نمی‌دانیم.

[سؤال: ... جواب:] نه. تاکد استحبابی که در نماز مغرب است بیش از نمازهای دیگر است.

اگر شما اصرار کنید، بگویید این جمع، عرفی نیست، یکی می‌گوید وقتها وجوبها و وقت فوتها سقوط الشفق، یکی می‌گوید آخر وقت المغرب سقوط الشفق، یک روایت دیگر می‌گوید انت فی وقت من صلاة المغرب الی ربع اللیل، به عرف می‌دهیم عرف متحیر می‌شود؟ می‌گوید من نمی‌دانم کدامیک از این دو خطاب درست است؟ اگر کسی بگوید این جمع، جمع عرفی نیست، نوبت می‌رسد به این‌که قواعد باب تعارض را اعمال کنیم.

**قرینه دوم بر تاکد استحباب لو کان لبان**

ما قطع نظر از آن ادعایی که قبلا می‌کردیم، می‌گفتیم لو کان لبان، اگر نماز مغرب قبل از سقوط شفق واجب بود برای مختار یا نظر شیخ طوسی که وقت نماز مغرب برای مختار تا سقوط شفق بود که بعد از آن می‌شد قضاء، ‌لو کان لبان. مسئله به این مهمی می‌شود شیعه از آن بی اطلاع باشد؟ نظر مشهور این است که نماز مغرب و عشاء تا نیمه شب ادامه دارد وقتش. وقت فضیلتش تا سقوط شفق است. یک کمی شما تساهل کنی سقوط شفق می‌شود. مگر چقدر فرصت هست؟ زوال حمره مشرقیه را صبر می‌کند مشهور، ‌خب بعد پنجاه دقیقه می‌شود تا سقوط شفق، یک تجدید وضوء و یک مقدار آرام آرام حرکت کردن می‌بینی سقوط شفق شد. لو کان لبان. اگر واقعا نماز مغرب اینقدر سخت بود لبان و اشتهر بین الشیعة.

[سؤال: ... جواب:] نه. قول مشهور نیست قول به این‌که وقت نماز مغرب مضیق است برای مختار. قول غیر مشهور است. شیخ طوسی قائل شده. قبلا نقل کردیم و برخی از بزرگان. و لکن همین مقدار کافی است. چرا راجع به حرمت دروغ اختلاف نکردند علماء. همه می‌گویند دروغ حرام است. واضح شده برای شیعه. چه جور شده که وقت نماز مغرب اگر تا سقوط شفق باشد حالا یا تکلیفا یا حتی اجزائا چه جور شده که واضح نشده برای شیعه. حالا ما از این مطلب غمض عین می‌کنیم که به نظر ما مطلب مهمی است و خودش دلیل قوی است بر حمل صحیحه زراره و فضیل بر تاکد استحباب.

[سؤال: ... جواب:] ارتکاز متشرعه ما نمی‌خواهیم ادعا کنیم ارتکاز متشرعه بر استحباب بوده. ما می‌خواهیم بگوییم لو کان واجبا اشتهر. آخه دیگه مردم اهم امور برای‌شان همین نماز است و محافظت بر اوقات نماز. ... آقا! من کار به فقهاء ندارد. من می‌گویم این حکم اگر ثابت بود در شرع واضح می‌شد برای اصحاب ائمه و برای شیعه در حالی که واضح نشده.

**جواب دوم: در فرض استقرار تعارض: روایات سقوط شفق موافق عامه است**

حالا ما از این مطلب هم غمض عین می‌کنیم. بر فرض تعارض بکنند و ما بگوییم نوبت می‌رسد به اعمال قواعد تعارض، لقائل ان یقول که این روایات انتهاء وقت مغرب با سقوط شفق موافق با عامه است. ظاهر عامه این است که می‌گویند نماز مغرب برای حاضر وقتش تا سقوط شفق است. مثل نماز ظهر که می‌گفتند وقتش تا بلوغ الظل مثل الشاخص است، ظاهر عامه هم همین است که در نماز مغرب برای مختار می‌گویند وقتش تا سقوط شفق است.

[سؤال: ... جواب:] برای مضطر عامه گفتند تا اذان فجر اما برای مختار ظاهر این است که تا سقوط شفق.

پس می‌توانیم این روایات طائفه ثانیه را با مخالفت عامه ما ترجیح بدهیم.

**جواب سوم: در فرض تساقط: روایت قاسم بن عروه عام فوقانی است**

اگر از این هم صرف نظر کنیم، بعد از تعارض و تساقط عام فوقانی اقتضاء می‌کند توسعه وقت را تا نیمه شب. همین روایت قاسم بن عروه به عنوان عام فوقانی می‌تواند مطرح بشود.

[سؤال: ... جواب:] روایت قاسم بن عروه را ما از اول نقشه کشیدیم طرف معارضه قرار ندادیم . گفتیم قابل حمل است بر این‌که بگوییم وقت برای مختار تا سقوط شفق است نسبت به نماز مغرب حالا یا بعد از سقوط شفق وقت مختار تمام می‌شود یا تکلیفش این است که قبل از سقوط شفق نماز مغرب را بخواند ولی اگر نخواند هنوز هم اداء است. روایت قاسم بن عروه قابل توجیه بود؛ می‌شود عام فوقانی.

**جواب چهارم: در فرض نبود عام فوقانی: اصل برائت جاری است**

پس هم اصل لفظی موافق با توسعه وقت نماز مغرب است تا نیمه شب و هم اصل عملی. اصل برائت اگر نبود ما چه می‌کردیم؟ رفع ما لایعلمون. نمی‌دانیم ما مکلفیم به نماز مغرب قبل از سقوط شفق یا موسع است بر ما نماز مغرب تا نیمه شب؟ برائت جاری می‌کنیم از این ضیق و تکلیف به نماز مغرب قبل از سقوط شفق.

**اقوی قول مشهور است**

و لذا اقوی ما علیه المشهور است که نماز مغرب وقتش موسع است تا نیمه شب.

این راجع به نماز مغرب. اما راجع به نماز عشاء...

[سؤال: ... جواب:] آیه اگر مرجع باشد که به نفع ما است. اقم الصلاة لدلوک الشمس الی غسق اللیل. ‌اگر آیه مرجع باشد آیه هم می‌گوید تا نیمه شب دیگه. فرض این است که صحیحه زراره که طرف معارضه نبود که می‌گفت و غسق اللیل منتصفه. ولی آیه راجع به نماز مغرب چیزی نگفته. شاید نماز عشاء تا نیمه شب وقتش ادامه داشته باشد.

[سؤال: ... جواب:] بناء است ما روایات معتبره را مطرح کنیم، این همه به ما گیر می‌دهند. و رواه که یک حدیث مرسلی نقل کرده است کلینی که بعدش یک روایتی داریم که لکل صلات وقتان، که همین صحیحه عبدالله بن سنان است یا مشابه آن، که آن روایت مرسله است، روایت مرسله که کلینی نقل می‌کند با روایت ؟؟ صحیحه زراره و فضیل قابل تعارض نیست.

**نماز عشاء**

**اول وقت: اذان مغرب**

اما راجع به وقت نماز عشاء: نماز عشاء مبدأ وقتش مشهور گفتند غروب آفتاب است. منتهای وقتش هم گفتند نیمه شب است. اما هم مبدئش مخالف دارد هم منتهایش.

شیخ طوسی و شیخ مفید، ‌ابن ابی عقیل، ‌سلار، سید مرتضی در ناصریات، گفتند مبدأ نماز عشاء سقوط شفق هست نه اذان مغرب.

**حمل روایات سقوط شفق بر وقت فضیلت**

ولی حق با مشهور است. درست است، ما قبول داریم برخی از روایات مؤید این نظر هست که قبل از سقوط شفق وقت نماز عشاء نرسیده:

صحیحه حلبی می‌گوید سألت اباعبدالله علیه السلام متی تجب العتمة، بعضی از روایات گفته به نماز عشاء عتمه نگویید، حالا صحیحه حلبی گفته متی تجب العتمة قال علیه السلام اذا غاب الشفق، هنگام سقوط شفق.

ولی این خب باید حمل کنیم بر وقت فضیلت بخاطر روایات متعدده‌ای که در مقام هست که این روایات متعدده مفادش این است که وقت نماز عشاء از اذان مغرب است:

صحیحه زراره: اذا غابت الشمس دخل الوقتان المغرب و العشاء.

موثقه زراره: صلی رسول الله صلی الله علیه و آله بالناس المغرب و العشاء قبل الشفق من غیر علة فی جماعة و انما فعل ذلک لیتسع الوقت علی امته.

و همین‌طور روایات دیگر: موثقه دیگر زراره می‌گوید: الرجل یصلی العشاء الآخرة قبل سقوط الشفق قال لابأس به.

پس مبدأ نماز عشاء اذان مغرب شد. مهم منتهای نماز عشاء است که آیا منتصف اللیل است و یا ثلث اللیل است که این را ان‌شاءالله بررسی می‌کنیم. صاحب حدائق می‌گوید واجب است نماز عشاء را هم مختار قبل از ثلث لیل بخواند، ‌صبر نکند، ‌تاخیر نیندازد از یک سوم شب.

خب این صاحب حدائق مقلدینش را بیچاره کرده. حالا ببینیم اینجا می‌شود از دستش خلاص شد یا نه، ‌ان‌شاءالله فردا.